جاهاي خالي كه پر نمي‌شود

12 بهمن 1402

زنگ آغاز چهل و دومين جشنواره بين‌المللي فجر در حالي به صدا درآمده كه جاي خيلي از فيلمسازان خوب و دست‌اندركاران سينماي ايران (بازيگران، فيلمبرداران، فيلمنامه‌نويسان و...) در آن خالي است. از اين نفرات برخي همچون داريوش مهرجويي، كيومرث پوراحمد و... در فاصله جشنواره قبل تا اين جشنواره به جايي رفتند كه ديگر نمي‌توانند فيلمي بسازند. افسوس دارد، اما چاره ندارد. شايد با درنگ در مورد سفر ابدي‌شان بتوان در مورد نبود ديگران چاره‌اي انديشيد، اما در مورد خودشان نمي‌شود. منظورم از ديگران افرادي نظير بهرام بيضايي، امير نادري، بهمن فرمان‌آرا، ناصر تقوايي هست و نيست! هست، چون هر كدام‌شان وزنه‌اي سنگين براي تاريخ سينماي ايرانند و فيلم‌هاي‌شان باعث اعتبار جشنواره‌ها مي‌شود. نيست، چون ليست آدم‌هاي غايب جشنواره‌هاي در حال برگزاري دوره به دوره بلندتر و عريض‌تر مي‌شود. قهر و تحريم فيلمسازان، بازيگران، فيلمنامه‌نويسان و... جاي خودش! دلايل ديگري هم براي جا ماندن، حذف شدن و... از قطار سينماي ايران وجود دارد كه مي‌تواند آينده سينما و جشنواره‌ها را به خطر بيندازد.

كتمان نمي‌كنم كه در ماه‌هاي اخير در حرف تمايلي به گشايش درها به روي تعداد بيشتري از سينماگران و عوامل سينما نشان داده شده، اما حرف هيچ وقت نمي‌تواند جاي گفت‌وگوي بر آمده از اعتماد، عمل به وعده‌هاي قبلي و تلاش براي از بين بردن مشكلات و ... را بگيرد.

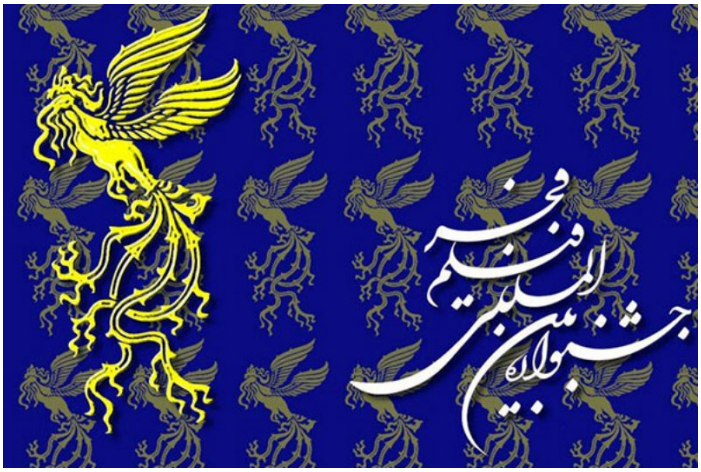

مشكلات سينما و جامعه با حرف و توجيه معضلات حل نمي‌شود. درمانش پيش از هر چيز در پذيرش نقشي است كه هركس در ايجاد مشكلات دارد و پس از آن مي‌توان به تغيير رويكرد و شرايط اميدوار بود. در غير اين صورت قطار سينما هر روز خلوت و خلوت‌تر مي‌شود. مسافرينش در ايستادگاه‌هاي بين راه پياده مي‌شوند. پس بايد چاره‌اي انديشيد. البته منظورم از اين چند خط اين نيست كه در جشنواره امسال فيلم خوب نداريم. ناديد نمي‌شود قضاوت كرد. شايد در غياب بزرگان كساني باشند كه فيلم‌هاي خيلي خوبي ساخته‌اند. فيلم‌هايي كه در آينده مثالي براي اقتدار و سطح بالاي سينماي ايران بشوند. شايد در جشنواره چهل و دوم پديده‌هاي نوظهوري هم پيدا شود. شايد... اما همه اين شايدها كه آرزوي تحققش را داريم، نمي‌تواند دليلي براي دست روي دست گذاشتن و به كار بردن جمله مهم نيست در زماني باشد كه

در جشنواره‌ها و سينماها و مجامع هنري و... غايب‌هاي معتبر زيادي داريم. غايب‌هايي كه كسي نمي‌تواند جاي خالي آنها را پر كند.

*حسن لطفی